

بررسی تطبیقی شمول معنایی در اشعار سهراب سپهری و نیما یوشیج

واژگان کلیدی

* معنی‌شناسی

* روابط واژگانی

* شمول معنایی

* شعر

دکتر فروغ کاظمی * f.kazemi86@yahoo.com

دانشیار دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی

مهسا قاسمی

دانشجوی دکتری زبان شناسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی

چکیده

شمول معنایی یکی از مهم‌ترین روابط مفهومی در هر نظام زبانی است و زمانی مطرح است که یک مفهوم چند مفهوم دیگر را شامل می‌شود. پژوهش حاضر، به بررسی تطبیقی این رابطه واژگانی در اشعار سهراب سپهری و نیما یوشیج پرداخته است. روش گردآوری داده‌های مقاله به صورت کتابخانه‌ای است و پژوهش به شیوه‌ی توصیفی-تحلیلی انجام شده است. حجم نمونه شامل صد بیت شعر از هشت کتاب سهراب سپهری و صد بیت شعر از مجموعه اشعار نیما یوشیج است که اشعار واژه‌های مربوط به شمول معنایی از آنها استخراج و سپس به مقایسه و تجزیه و تحلیل آنها پرداخته شده است. نتایج پژوهش نشان می‌دهد که رابطه شمول معنایی در اشعار هر دو شاعر کاربرد قابل ملاحظه‌ای داشته است. اما این کاربرد در اشعار سهراب بیشتر از اشعار نیما است. گفتنی است کاربرد شمول معنایی در اشعار نیما عمدتاً در حوزه واژگان منفی، یاس و ناامیدی مانند «تیرگی، زمستان، سیاهی، شب، سیا» بوده است، اما در اشعار سهراب، غالباً شامل واژگان مثبت و مربوط به امید به زندگی مانند «دریا، تابستان، ماهی، عشق، زندگی» است. یافته‌ها حاکی از آن است که اشعار سهراب سپهری و نیما یوشیج در استفاده از شمول معنایی در واژه‌های دریا، شب و تابستان دارای شباهت هستند. علاوه بر آن، نیما جز در مواردی محدود از هم‌شمولی چندان بهره‌ای نبرده، این در حالی است که سهراب در اکثر ابیات خود به خوبی به هم‌شمولی به عنوان بخشی از رابطه شمول معنایی توجه داشته است.

مقدمه

معنی‌شناسی یکی از مهمترین شاخه‌های زبان‌شناسی است. این حوزه، از بخش‌های مختلفی تشکیل شده که در جایگاه خود حائز اهمیت‌اند. مواردی همچون دلالت، تعبیر معنی، روابط معنایی^۱ در سطح واژه، روابط مفهومی در سطح جمله و حوزه معنایی از مفاهیم مهم قابل بررسی در معنی‌شناسی است. لاینز^۲ (۱۹۸۱) معتقد است که توصیف صریح معنای واژگان یا جملات بسیار مشکل است و معنی‌شناسان در مورد اینکه معانی چه نوع ماهیتی دارند با یکدیگر اتفاق نظر ندارند. با این حال برقراری روابط معنایی در بین واژگان و جملات، نسبتاً آسان است و می‌توان معنی آنها را با توجه به این روابط توصیف و مشخص کرد. تشخیص روابط معنایی در بین واژه‌ها به درک معنای آنها و در نتیجه افزایش خزانه‌ی واژگانی درک روابط بین پدیده‌های جهان خارج منجر خواهد شد.

روابط مفهومی در سطح واژه و زیر شاخه‌های آن نقش عمده‌ای در زبان‌شناسی و معنی‌شناسی داشته است که در میان آنها رابطه‌ی شمول معنایی^۳ مهم‌تر جلوه می‌نماید، چرا که می‌تواند درک دیگر روابط مفهومی را راحت‌تر و آسان‌تر نماید (آکمجیان^۴، ۱۹۹۷، ۸۷). جایگاه معنی‌شناسی در ادبیات و اشعار به خوبی قابل ملاحظه است و بررسی مقایسه‌ای شمول معنایی در شعر و ادب فارسی می‌تواند، کمک بهتری برای درک اشعار گردد. اشعار هر زبان را می‌توان نشانگر بخشی از تاریخ و آداب و سنن مردمی که بدان زبان سخن می‌گویند دانست و یکی از راه‌های شناخت و مطالعه زبان‌ها، بررسی اشعار آنهاست. اشعار فارسی، جزء میراث و فرهنگ کشور ما محسوب می‌شوند و باید به عنوان میراث فرهنگی به آنها توجه کرد. آنها دارای نقش و اهمیت کم‌نظیری در احیاء زبان فارسی هستند و از اینرو، بررسی زبان‌شناختی و معناشناختی این اشعار امری مهم به نظر می‌رسد و جا دارد که به آن پرداخته شود.

نیما یوشیج شاعر معاصر ایرانی و بنیان‌گذار شعر نوین و ملقب به پدر شعر نو فارسی است. شعر نو عنوانی بود که نیما بر هنر خویش نهاده بود. شاعران بسیاری بودند که راه نیما را ادامه دادند. از جمله شاعران تاثیرگذار ادبیات ایران می‌توان به سهراب سپهری اشاره کرد که از

^۱ Semantic relations

^۲ Lyons

^۳ hyponymy

^۴ Akmajian

نام‌آوران ادب و هنر معاصر ایران است. زبان شعری سهراب در برخی اشعارش ساده و بی‌آلایش و در برخی دیگر آمیخته با مضامین و مفاهیم عرفانی و فلسفی است. اکنون مساله اصلی پژوهش پیش رو آن است که رابطه شمول معنایی در اشعار سپهری و نیما چگونه بازنمایی می‌شود و هر یک از این دو شاعر چگونه از شمول معنایی بهره می‌برند. با عنایت به مساله‌ی اصلی بر آنیم تا در این پژوهش به این پرسش‌ها پاسخ دهیم که اشتراک و افتراق شمول معنایی در اشعار سهراب سپهری با اشعار نیما یوشیج چیست؟ و بسامد استفاده از رابطه شمول معنایی در اشعار کدام شاعر بیشتر است؟ روش گردآوری داده‌های مقاله به صورت کتابخانه‌ای است و پژوهش به شیوه‌ی توصیفی-تحلیلی انجام شده است. حجم نمونه شامل ۱۰۰ بیت شعر از هشت کتاب سهراب سپهری و ۱۰۰ بیت شعر از مجموعه اشعار نیما یوشیج، گردآوری سیروس طاهباز است. واژه‌های مربوط به شمول معنایی از آنها استخراج شده و سپس به مقایسه و تجزیه و تحلیل آنها پرداخته شده است.

پیشینه تحقیق

پالمر^۵ (۱۳۸۷) در بیان شمول معنایی معتقد است که ما با واژه‌هایی سروکار داریم که فی نفسه به طبقه بندی مربوط می‌شوند و ما را در ارتباط با شمول قرار می‌دهند؛ بدین معنی که مثلاً واژه‌ی گل معنی واژه‌های لاله و رز را نیز در بر دارد؛ واژه پستاندار یا شاید حیوان واژه‌های شیر و فیل را نیز شامل می‌شود و به عنوان مثالی دیگر، واژه سرخابی در شمول واژه قرمز قرار می‌گیرد. آلن^۶ (۱۹۸۹) شمول معنایی را تحت عنوان التزام معنایی یک سو به نامتقارن مورد مورد بررسی قرار می‌دهد و می‌نویسد رابطه‌ی التزام نامتقارن میان جمله‌ها، دقیقاً برعکس رابطه‌ی فراگیری میان جمله‌های مربوطه است. بطور نمونه F یک گل است در رابطه با زیرشمول‌هایش می‌تواند این جمله را شامل گردد: F یک رز است، F یک اطلسی است و غیره.

فرامکین^۷ و همکاران (۱۳۸۷) بیان می‌کنند که گویش‌وران زبان انگلیسی می‌دانند که کلمات قرمز، سفید، آبی، همگی رنگ هستند، یعنی نموده‌های واژگانی آنها دارای مختصه‌ی + رنگ

⁵ Palmer

⁶ Alen

⁷ Frankin

است و نمایانگر طبقه ای است که همگی به آن طبقه متعلق می باشند. به همین منوال، واژه‌های شیر، ببر و پلنگ همگی دارای مختصه + گربه سان هستند، چنین مجموعه کلمات را معناشمول می‌نامند. ارتباط شمول معنایی بین کلمات عام تر مانند رنگ و موارد خاصی از آن، مانند قرمز، است. بنابراین، قرمز، معناشمول رنگ است و شیر نیز معناشمول گربه سان است. به عبارت دیگر می‌توان گفت که رنگ دارای شمول معنایی قرمز است و گربه سان شمول معنایی شیر جنگل را دارد.

کروز^۸ (۱۹۹۷) اشاره می‌کند که تصور ما از شمول دو گونه می‌تواند باشد. یا تصورمان از شمول این است که مصداق واژه زیر شمول، زیر مجموعه مصدایق واژه شامل است. یا قضاوتمان این است که مولفه‌های معنایی واژه زیر شمول، زیر مجموعه مولفه‌های معنایی واژه شامل است. به عنوان مثال اگر X مجموعه گل‌ها و Y مجموعه شقایق‌ها باشد، آنگاه Y زیر مجموعه X است. تعریف مولفه‌های معنایی نیز بدین ترتیب است که X زیر شمول Y است اگر و تنها اگر مولفه‌های معنایی که X را تعریف می‌کنند، زیر مجموعه محض مولفه‌های معنایی Y باشند. یکی از مشکلات این دو تعریف زیر مجموعه ای از روابط شمول معنایی این است که چنین تعریفی روابط مفهومی بسیاری را مجاز می‌شمارد که گویشور زبان آنها را جزو تعاریف طبیعی رابطه شمول معنایی نمی‌داند. به عنوان مثال اگرچه اسب نوعی حیوان است و در شمول معنایی واژه حیوان قرار می‌گیرد. اما ملکه که طبق این تعریف زیر شمول زن محسوب می‌شود آیا واقعا نوعی زن است؟ کروز چنین روابطی را روابط رده ای می‌نامد و آنها را نوع خاصی از شمول معنایی می‌خواند.

لاینز (۱۹۹۳:۲۹۱) رابطه شمول معنایی را رابطه بین یک مفهوم خاص تر و جزئی تر و یک مفهوم کلی تر و شامل تر می‌نامد. به عنوان مثال هر یک از واژه‌های گنجشک، کبوتر و عقاب نسبت به واژه پرنده واژه زیرشمول به حساب می‌آیند و نسبت به یکدیگر هم شمول محسوب می‌شوند. پرنده نیز واژه شامل آنها است. برقی موحد (۱۳۹۲) در پژوهش خود به بررسی انسجام واژگانی در اشعار نیما یوشیج پرداخته است. آنچه در پژوهش حاضر مد نظر می‌باشد، بررسی یکی از ابزارهای انجام واژگانی در اشعار نیما یوشیج است که با توجه نظریه هلیدی و حسن انجام شده است. مفاهیم اساسی به کار گرفته شده در تحلیل انجام واژگانی در این اشعار

⁸ Cruse

شامل تکرار واژه، هم معنایی، واژه‌ی عام، شمول معنایی و باهم‌آیی است. وی برای تحلیل اشعار از نظر عوامل انجام واژگانی، سی نمونه از اشعار نیما به طور تصادفی از کتاب "مجموعه اشعار نیما یوشیج" انتخاب کرده است. از بررسی و تجزیه و تحلیل داده‌ها مشخص شده که از میان عوامل انسجام واژگانی، یکی از این عوامل یعنی "تکرار عین واژه" بیشترین کاربرد و "واژه‌ی عام" کمترین کاربرد را داشته است. کاربرد تکرار عین واژه در اشعار نیما ۹۱/۶۸ درصد، هم معنایی ۴/۴۷ درصد، باهم آیی ۳/۳۳ درصد، شمول معنایی ۲/۷۱ درصد و واژه عام ۰/۹۴ درصد بوده است.

سلیمان‌پور (۱۳۹۲) در مطالعات خود به بررسی حوزه‌ی معنایی شعر عاشورایی معاصر پرداخته است. این پژوهش پیرامون ۳۰ شعر عاشورایی معاصر منتخب که از دیدگاه معنی‌شناسی و بر پایه‌ی نظریه‌ی حوزه‌های معنایی انجام گرفته است. مبنای کار بر گزینش پر بسامدترین واژگان، به عنوان متغیرهای این تحقیق، گذاشته شده است. بر این اساس، ۷ متغیر به ترتیب بیشترین کاربرد: (دست، سر، آب، خون، نیزه، لب، تیر)، به طور جداگانه، بررسی شده‌اند. متغیرهای برگزیده با توجه به باهم آیی‌های آن‌ها، با ذکر عوامل ایجاد هم‌حوزگی در سطوح مختلف آوایی، زبانی، ادبی و روابط مفهومی در سطح واژگان به طور مجزا مورد بررسی قرار گرفته است. هدف اصلی تحقیق وی، ضمن معرفی بهترین نمونه‌های اشعار عاشورایی این دوره، مشخص کردن حوزه‌های معنایی شعر عاشورایی معاصر بوده است و در آن، به مهم‌ترین عوامل و روابط معنایی دخیل در هر یک از این حوزه‌ها پرداخته شده است. نتیجه‌ی حاصل نشان داده است که اصلی‌ترین حوزه‌های معنایی شعر عاشورایی در این دوره، حوزه‌ی اعضای بدن و عناصر طبیعت است که اولی از طریق رابطه‌ی جزء واژگی، و دومی به واسطه‌ی رابطه‌ی شمول معنایی، بین اجزای آن‌ها ایجاد شده است.

از طرفی دیگر در رابطه با ویژگی‌های شمول معنایی، خسروی زاده و فارسی نژاد (۱۳۸۶) در مقاله خود تحت عنوان "معرفی الگوهای واژگانی- نحوی" بیان می‌کنند که رابطه شمول معنایی رابطه‌ی ای‌بازتابی، گذرا اما نامتقارن است. ویژگی‌ی بازتابی یعنی هر واژه شامل معنای خودش به حساب می‌آید. گذرا یعنی به طور مثال زنبور نوعی حشره است و حشرات از جانداران هستند، بنابراین زنبور زیرشمول جانداران است. اما این رابطه متقارن و دو طرفه نیست. در واقع شکل دو طرفه این رابطه همان رابطه هم معنایی است. رابطه شمول معنایی در

همه سطوح از واژه تا جمله جریان دارد. اما در سنت مطالعات روابط معنایی، رابطه شمول معنایی، رابطه شمول معنایی بیشتر میان عناصر واژگانی مانند اسم، فعل و صفت بررسی می‌شود. این رابطه از نوع مقوله ای است و دو عنصر واژگانی درگیر این رابطه باید متعلق به یک طبقه دستوری باشند. هرچند معمولاً در واژگان هر زبان رابطه شمول معنایی به وفور دیده می‌شود اما همواره برای هر واژه یک واژه شامل وجود ندارد. شریفی و مولوی (۱۳۸۷) که مطالعات آنها به تشخیص پربسامدترین روابط مفهومی در داده های زبانی اختصاص دارد نشان می‌دهد بیشترین درصد پیوندهای واژگانی در زبان فارسی به روابط شمول معنایی، روابط نقشی، تقابل معنایی، باهم آیی و هم معنایی اختصاص دارد.

پاکتچی (۱۳۹۹) به بررسی رابطه شمول معنایی در ترجمه قرآن کریم پرداخته است. وی بیان می‌کند که مبحث روابط معنایی با رابطه شمول معنایی که نخستین و مهم‌ترین رابطه معنایی است، در سنت منطق و اصول در معارف اسلامی، عموم و خصوص مطلق خوانده شده است. او می‌نویسد به عنوان نمونه‌ای از شمول معنایی در ترجمه می‌توان به واژه نهر عربی و امکان ترجمه آن به دو واژه رود و جوی/ جویبار در فارسی اشاره کرد، بدین معنا که نهر عربی نسبت به رود فارسی و نسبت به جوی فارسی شمول معنایی دارد و مترجم ناچار است بسته به بافت سخن، یکی از دو گزینه را به عنوان معادل انتخاب کند. ولی معدودی از مترجمان، به جای آن واژه چشمه را به کار برده‌اند که معادل عربی آن عین است و اساساً ربط مستقیمی به نهر ندارد. طیفی از مترجمان نیز از انتخاب بین دو واژه زیرشمول گریخته، همان واژه نهر عربی را در ترجمه به کار برده‌اند که البته در فارسی نیز به عنوان یک وام‌واژه شناخته شده است و کاربرد آن ایجاد ناهنجاری نمی‌کند.

روابط معنایی

بررسی روابط معنایی هم در سطح واژه و هم در سطح جمله انجام می‌شود. وقتی به مطالعه معنای کلمات می‌پردازیم، در حوزه معنی شناسی واژگانی^۹ قرار داریم. مطابق دیدگاه ساخت‌گرایان هر کلمه نه تنها با دیگر کلمات جمله ارتباط دارد، بلکه در ارتباط با کلماتی نیز هست که در جمله حضور ندارند و خارج از جمله هستند. از این رو ارتباط کلمه هم با واژه‌های

^۹ Lexical semantics

درون جمله و هم با واژه های خارج از جمله قابل بررسی است (سعید، ۲۰۱۳: ۵۳). آکمجیان و همکاران (۱۳۸۲) معتقدند که کلمات می توانند از نظر ساخت واژی برای مثال، توسط قواعد ساخت واژی با هم مرتبط باشند، همچنین می توانند از لحاظ معناشناختی مرتبط باشند. این کلمات زیرگروه هایی را در واژگان زبان تشکیل می دهند. برای مثال، یکی از روابط معنایی مهم در سطح واژه، همان هم معنایی است یا یکسان بودن معنا است.

هم معنایی رابطه ای است که واژگان یک زبان را به صورت مجموعه هایی از کلمات هم معنا سامان می دهد. همچنین کلمات می توانند هم آوا باشند، یعنی تلفظ یکسانی داشته باشند ولی کلمات متفاوت با معانی متفاوتی باشند. کلمات هم آوا غالباً دارای املائی متمایزی در زبان نوشتاری می باشند. یک رابطه معنایی مهم دیگر، شمول معنایی است. حتی اگر دو کلمه هم معنا نباشند و معنای یک کلمه، معنای کلمه ی دیگر را شامل نشود، باز هم می توانند از لحاظ معناشناختی با هم مرتبط باشند، البته از این لحاظ که برخی وجوه معنایی را مشترک باشند یا در جنبه ای از معنای شان هم پوشی داشته باشند (آکمجیان و همکاران، ۱۳۸۲: ۲۳۴).

روابط واژگانی

یول (۱۳۸۵: ۱۴۴) در مورد روابط واژگانی^{۱۰} بیان می کند که واژه ها فقط به عنوان ظروف معنا یا ایفا کننده ی نقش های معنایی در جملات محسوب نمی شوند، بلکه می توانند با واژه های دیگر ارتباط داشته باشند. ما در گفتگوی روزمره، اغلب معنای واژه ها را بر حسب روابط آنها، منتقل می کنیم. برای مثال، اگر از ما پرسیده شود که معنای واژه conceal پنهان کردن چیست، به راحتی می گوئیم این واژه به همان معنای hide پنهان کردن است. یا معنای واژه shallow کم عمق را به صورت متضاد deep عمیق ارائه می دهیم. یا معنای واژه ی daffodil نرگس زرد را به صورت نوعی گل ابراز می داریم. ما برای انجام دادن این کار، معنای هر واژه را نه از لحاظ مختصه های مؤلفه ای، بلکه بر حسب رابطه ی آن واژه با واژه های دیگر، مد نظر قرار می دهیم. این رویکرد در توصیف معنایی زبان به کار می رود و تحلیل روابط واژگانی نام دارد. این روابط واژگانی که در بالا از آنها نام برده شد، به ترتیب هم معنایی، تضاد معنایی، شمول معنایی نامیده می شوند. دیگر انواع مهم روابط واژگانی، هم نامی، چند معنایی، جزء

¹⁰ Lexical relations

واژگی و عضوواژگی و واحدواژگی نامیده شده اند. در مقاله حاضر بررسی شمول معنایی مد نظر است که در ذیل به معرفی بیشتر آن می‌پردازیم.

شمول معنایی

رابطه شمول معنایی یکی از اساسی‌ترین روابط مفهومی در نظام زبان است. وقتی یک مفهوم چند مفهوم دیگر را شامل می‌شود، شمول معنایی مطرح است (سعید، ۲۰۱۳: ۶۸). صفوی (۱۳۸۶) شمول معنایی را رابطه میان دو واژه می‌نامد که یکی از چنان وسعتی برخوردار است که معنی واژه دیگر را نیز شامل می‌شود. شمول معنایی رابطه ای است که بین عناصر واژگان خاص و عام برقرار است. به حالتی اشاره دارد که معنای یک واژه (خاص) به طور کامل توسط یک واژه دیگر (عام) که معنای فراگیرتری دارد پوشش داده شود، برای نمونه معنای لاله توسط معنای گل پوشش داده می‌شود. در این نمونه واژه لاله، واژه زیرشمول^{۱۱} است و واژه گل، فراشمول^{۱۲} یا واژه شامل^{۱۳} نامیده می‌شود. واژه شامل، واژه ای است که مفهومش مفهوم های دیگر را در بر می‌گیرد (سعید، ۲۰۱۳: ۶۸). یول معتقد است: واژه شامل، واژه ای است که در سطح بالاتر شمول معنایی قرار می‌گیرد (یول، ۱۳۸۵: ۲۷۳). صفوی (۱۳۸۹: ۱۰۱) اشاره می‌کند، یک واژه چند معنایی بسته به اینکه در کدام مفهومش به کار رفته باشد، می‌تواند بر خودش شامل باشد و در چند جای سلسله مراتب شمول معنایی حضور یابد. واژه اسب در زبان فارسی واژه شاملی است که مفهوم سه واژه مادیان، کره و اسب را در بردارد.

واژه‌هایی که تحت یک واژه کلی (بالاتر) قرار می‌گیرند، واژه‌های هم‌شمول^{۱۴} نامیده می‌شوند، بنابراین، لاله و رز که هر دو تحت معنای گل قرار دارند، کلمه‌هایی هم‌شمول‌اند. واژه گل نیز واژه‌ای فراشمول است. واژه‌هایی در شمول معنایی که دارای یک واژه‌ی مافوق (فراست) هستند را واژه هم‌شمول گویند (یول، ۱۳۸۵: ۴۳). استلزام یک طرفه را راهی برای آزمایش رابطه شمول معنایی است. بدین ترتیب که صحت یک جمله با واژه زیرشمول مستلزم صحت همان جمله با واژه شامل است و نه برعکس. برای نمونه صحت جمله این یک لاله است، مستلزم صحت جمله این یک گل است خواهد بود ولی برعکس آن صادق نیست. بنابراین

^{۱۱} hyponym

^{۱۲} hypernym

^{۱۳} superordinate

^{۱۴} cohyponym

مزیت چنین تعریفی آن است که دانش مولفه های معنایی واژه های درگیر در این رابطه ضروری نیست. هر چند این تعریف نیز کاستی های خود را دارد و همیشه رابطه شمول معنایی و استلزام در کنار یکدیگر قرار نمی گیرند. به طور مثال جمله زنبور قوزکم را نیش زد، مستلزم آن است که زنبور پایم را نیش زده باشد. درحالیکه قوزک زیر شمول پا نیست. همانطور که می بینید مشکلات تعاریف گفته شده این است که بیشتر توصیفی هستند تا تبیینی و دقیقا مشخص نمی کنند در معنی دو کلمه چه نهفته است که رابطه شمول معنایی را میان آن دو برقرار می کند (لاینز ۱۹۹۳: ۲۹۱؛ به نقل از صفوی، ۱۳۹۱: ۱۰۲).

تحلیل داده ها

در این بخش از پژوهش، به بررسی شمول معنایی در اشعار می پردازیم و پس از یافتن روابط شمول معنایی و تفکیک آنها، رابطه فراشمولی و زیرشمولی در اشعار را بررسی می کنیم. تا مشخص نماییم که چه تفاوت ها و شباهت هایی از نظر کاربرد شمول معنایی در آنها وجود دارد.

الف) شمول معنایی در اشعار نیما یوشیج

ابتدا به بررسی شمول معنایی در مجموعه اشعار نیما یوشیج می پردازیم که برخی از آنها در قالب نمونه هایی در ذیل ارائه می شوند:

نمونه ۱: *واجاق کهن سرد سرایم*

گرم می آید از گرمی عالی دمشان (نام بعضی نفرات)

فراشمول: گرمی

زیرشمول: اجاق

گرم در این نمونه به عنوان فراشمول، معنای اجاق را در بر می گیرد. اجاق نوعی گرما است. در واقع اجاق روشن نوعی گرما است که به واسطه گرمی حضور دوستان حاصل شده است. به بیانی دیگر، واژه خاص اجاق به طور کامل، توسط واژه عام دیگر یعنی گرما که معنای

فراگیرتری دارد پوشش داده شده است. این رابطه شمول معنایی، مقوله ای است و دو عنصر واژگانی درگیر این رابطه که گرما و اجاق اند، هر دو متعلق به یک طبقه دستوری یعنی اسم هستند.

نمونه ۲: شب است،

شبی بس تیرگی دمساز با آن. (شب است)

فراشمول: تیرگی

زیرشمول: شب

در این مورد بین دو عنصر واژگانی خاص و عام رابطه معنایی برقرار است. تیرگی به عنوان عنصر واژگانی عام و شب به عنوان عنصر واژگانی خاص با همدیگر شمول معنایی موجود را برقرار کرده اند. بدین سان که تیرگی به عنوان فراشمول، معنای شب را در بر می گیرد و شب نوعی تیرگی محسوب می شود. از اینرو رابطه شمول معنایی بین شب و تیرگی قابل تبیین است.

نمونه ۳: دارد هوا که بخواند

درین شب سیا. (ری را)

فراشمول: سیا

زیرشمول: شب

در این نمونه، سیا به عنوان فراشمول، معنای شب را در بر می گیرد. یعنی شب نوعی سیاهی است. در واقع، سیاهی، شب را در بردارد و مطابق مفهوم رابطه شمول معنایی، واژه سیا از چنان وسعتی برخوردار است که معنی واژه شب را نیز شامل شده است. در این رابطه معنایی

نیز دو عنصر واژگانی هر دو متعلق به طبقه دستوری اسم هستند و شب، معناشمول سیاهی در نظر گرفته می شود.

نمونه ۴: ترا من چشم در راهم شباهنگام

که می گیرند در شاخ تلاجن سایه ها رنگ سیاهی (ترا من چشم در راهم)

فراشمول: سیاهی

زیرشمول: سایه

در مورد این بیت نیز سیاهی به عنوان فراشمول، معنای سایه را در بر می گیرد. از نظر شاعر، سایه نوعی تیرگی و سیاهی است که در اینجا رابطه شمول معنایی را به خوبی نشان می دهد. سیاهی، سایه را شامل می شود و معنای سایه به عنوان واژه خاص به طور کامل توسط معنای سیاهی به عنوان واژه عام که فراگیرتر است، پوشش داده شده است.

جدول (۱): کاربرد شمول معنایی در اشعار نیما یوشیج

شمول معنایی				
ردیف	فراشمولی	زیرشمولی	همشمولی	بسامد کاربرد
۱	گرمی	اجاق	-	۴
۲	زمستان	سرد	-	۸
۳	تیرگی	شب	-	۵
۴	سیاهی	شب	شب با سایه	۷
۵	سیاهی	سایه	سایه با شب	۴
۶	تابستان	گرما	-	۴
مجموع				۳۲

شمول معنایی در اشعار سهراب سپهری:

در این بخش از پژوهش به بررسی شمول معنایی در اشعار هشت کتاب سهراب سپهری پرداختیم که نمونه هایی در ادامه ارائه خواهند شد:

نمونه ۱: دیرگاهی است در این تنهایی

رنگ خاموشی در طرح لب است.

بانگی از دور مرا می خواند،

لیک پاهایم در قیر شب است. (در قیر شب)

فراشمول: شب

زیرشمول: تنهایی

زیرشمول: رنگ خاموشی

زیرشمول: قیر (رنگ سیاه)

در این نمونه شب به عنوان فراشمول، معنای تنهایی، رنگ خاموشی و رنگ سیاهی یا همان قیر را در بر می گیرد. رابطه بین عناصر واژگان خاص و عام بدین صورت برقرار است که مفهوم شب سه مفهوم دیگر یعنی: تنهایی، رنگ خاموشی و رنگ سیاهی یا همان قیر را شامل می شود. واژه شب، واژه عام است که معنای فراگیرتر دارد و بدین سبب نیز این سه، معناشمول شب اند. همه متعلق به یک طبقه دستوری (اسم) هستند. در این شمول معنایی، تنهایی، رنگ خاموشی و رنگ سیاهی یا همان قیر، هم شمول هستند. چراکه که همه زیرشمول شب قرار گرفته اند.

نمونه ۲: خویش را از ساحل افکندم در آب

لیک از ژرفای دریا بی خبر. (دود می خیزد)

فراشمول: دریا

زیرشمول: ساحل

زیرشمول: ژرفا

زیرشمول: آب

در این نمونه دریا به عنوان فراشمول، معنای ساحل، ژرفا و آب را در بر می‌گیرد. از این رو می‌توان گفت: دریا شامل ساحل، ژرفا و آب است. دریا واژه شامل است. ساحل و ژرفا و آب زیرشمول های آن هستند و این سه زیرشمول با هم رابطه هم شمولی دارند.

نمونه ۳: آفتاب است و بیابان چه فراخ!

نیست در آن نه گیاه و نه درخت. (سراب)

فراشمول: بیابان

زیرشمول: نه گیاه (بدون گیاه)

زیرشمول: نه درخت (بدون درخت)

بیابان در این نمونه به عنوان فراشمول در نظر گرفته می‌شود. شاعر معتقد است: بیابان شامل نه گیاه است و نه درخت. در واقع سهراب در این نمونه از شمول منفی در شعر خود استفاده کرده است. یعنی اگر جنگل شامل گیاه و درخت است، بر خلاف آن بیابان نه شامل گیاه است و نه درخت. لذا نه گیاه و همین‌طور نه درخت هر دو زیرشمول بیابان محسوب می‌شوند. به عبارت دیگر، آنها معناشمول بیابان اند و در عین حال با خود رابطه هم شمولی دارند.

نمونه ۴: و عشق، تنها عشق

ترا به گرمی یک سیب می کند مانوس. (مسافر)

فراشمول: عشق

زیرشمول: گرمی

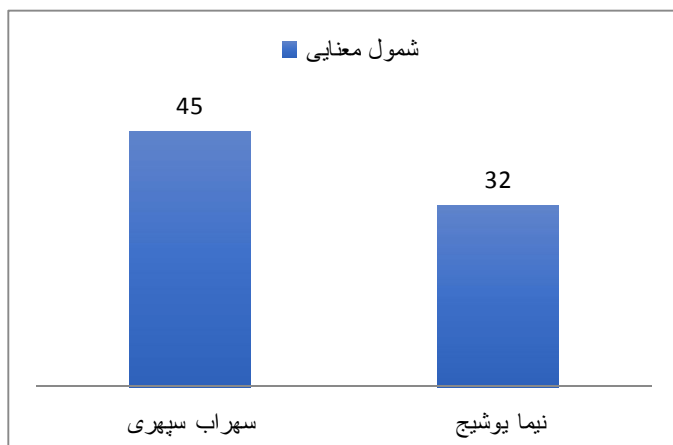
زیرشمول: مانوس (شدن)

در این نمونه عشق به عنوان فراشمول، معنای گرمی و مانوس (شدن) را در بر می گیرد. بدین صورت که عشق شامل گرمی است. عشق شامل مانوس بودن (انس و الفت به چیزی) است. گرمی معناشمول عشق است و الفت. در این نمونه دو واژه گرمی و مانوس شدن نیز با هم رابطه هم شمولی دارند.

جدول (۲): کاربرد شمول معنایی در اشعار سهراب سپهری

شمول معنایی				
ردیف	فراشمولی	زیرشمولی	هم شمولی	بسامد کاربرد
۱	دریا	ساحل	ساحل با ژرفا و آب	۴
۲	دریا	ژرفا	ژرفا با ساحل و آب	۵
۳	دریا	آب	آب با ساحل و ژرفا	۵
۴	سوختن	آتش	-	۳
۵	زندگی	مهربانی	مهربانی با ایمان و شقایق	۵
۶	زندگی	ایمان	ایمان با مهربانی و شقایق	۵
۷	زندگی	شقایق	شقایق با ایمان و مهربانی	۵

۳	گرمی با مانوس شدن	گرمی	عشق	۸
۳	مانوس شدن با گرمی	مانوس شدن	عشق	۹
۲	-	نور	خورشید	۱۰
۴	نیلوفر با شکوفه	نیلوفر	گل	۱۱
۱	شکوفه با نیلوفر	شکوفه	گل	۱۲
۴۵	مجموع			



نمودار (۱): مقایسه کاربرد شمول معنایی در اشعار نیما یوشیج و

سهراب سپهری

نتیجه گیری

پژوهش حاضر به بررسی مقایسه ای شمول معنایی و کاربرد آن در در اشعار نیما یوشیج و سهراب سپهری پرداخت. با توجه به بررسی داده ها مشخص گردید که رابطه شمول معنایی در اشعار هر دو شاعر کاربرد داشته است و هر دو از این نوع رابطه واژگانی در ابیات خود استفاده کرده اند. اما در مقام مقایسه می توان گفت که شمول معنایی در اشعار سهراب سپهری بیشتر از اشعار مورد بررسی نیما یوشیج کاربرد داشته است. جدولها و نمودار مقایسه در این پژوهش، نشان دهنده این تنوع و بسامد وقوع شمول معنایی است. یافته ها همچنین نشان می دهد که بهره گیری از شمول معنایی در اشعار نیما یوشیج عمدتاً در حوزه واژگان منفی، یاس و ناامیدی بوده که واژه های «تیرگی، زمستان، سیاهی، شب، سیا» نمونه هایی از آن است. اما در اشعار سهراب سپهری، کاربرد شمول معنایی غالباً شامل واژگان مثبت و در ارتباط با امید به زندگی است که می توان کاربرد واژه های «دریا، تابستان، ماهی، عشق، زندگی» را شاهدی بر این مدعا دانست.

نتایج حاکی از آن است که اشعار سهراب سپهری و نیما یوشیج در کاربرد شمول معنایی در واژه های دریا، شب و تابستان همراه با رابطه های واژگانی و شمول معنایی خود دارای شباهت هستند. یکی دیگر از جنبه های اشتراک و افتراق آنها، استفاده از رابطه هم شمولی است. بدین شکل که نیما جز در مواردی معدود از هم شمولی چندان بهره ای نبرده، این در حالی است که سهراب در اکثر ابیات خود به خوبی به هم شمولی به عنوان بخشی از رابطه شمول معنایی توجه داشته است. سخن آخر این که این بررسی در حوزه شمول معنایی می تواند کمک بهتری برای درک هر چه بیشتر اشعار این دو شاعر ایرانی به ویژه از دیدگاه معنی شناسی شعر باشد. چراکه تشخیص روابط معنایی و مشخصاً شمول معنایی در بین واژه ها به درک معنای آنها و در نتیجه افزایش خزانه ای واژگانی کمک می کند که در نهایت، به درک بهتر و موثرتر شعر و روابط بین پدیده های جهان خارج منجر می شود. به کارگیری شمول معنایی نه تنها در اشعار این دو شاعر، بلکه به طور کلی در زبان شعر می تواند منجر به غنای لفظی و معنایی شعر شود. در حقیقت، شمول معنایی همانند نقشی که آرایه های ادبی از جمله جناس و مانند آن در زیباتر کردن شعر دارند، باعث ارتقاء ساختاری و معنایی شعر می شوند.

منابع

آکمجیان و همکاران (۱۳۸۲)، زبان‌شناسی، درآمدی بر زبان و ارتباط، مترجم، علی بهرامی، چاپ اول، تهران، انتشارات راهنما.

برقعی موحد، مریم سادات (۱۳۹۲)، بررسی انسجام واژگانی در اشعار نیما یوشیج، پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد زبان‌شناسی دانشگاه آزاد اسلامی تهران مرکزی.

پاکتچی، احمد (۱۳۹۹). «شمول معنایی در ترجمه قرآن»، راسخون، www.rasekhoon.net.

پالمر، فرانک رابرت (۱۳۸۷)، نگاهی تازه به معنی‌شناسی، ترجمه‌ی کورش صفوی، چاپ پنجم، تهران، نشر مرکز.

خسروی زاده، پروانه و علی فارسی نژاد (۱۳۸۶). "معرفی الگوهای واژگانی - نحوی"، مجموعه‌ی مقالات دومین هم‌اندیشی زبان‌شناسی رایانشی، دانشگاه صنعتی شریف، صص ۹۳-۱۰۰.

سلیمان پور، فاطمه (۱۳۹۲)، بررسی حوزه‌ی معنایی شعر عاشورایی معاصر، پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه شاهد تهران

صفوی، کورش (۱۳۸۶)، آشنایی با معنی‌شناسی، چاپ اول، تهران، انتشارات پژواک کیوان.

----- (۱۳۸۹)، زبان‌شناسی و ادبیات تاریخی‌چهی چند اصطلاح، چاپ سوم، تهران، انتشارات هرمس.

فرانکین و همکاران (۱۳۸۷)، درآمدی بر زبان (زبان‌شناسی همگانی)، مترجمان، علی بهرامی، سهیلا ضیاء الدین، چاپ اول، تهران، انتشارات رهنما.

لاینز، جان (۱۳۹۱)، درآمدی بر معنی‌شناسی زبان، ترجمه‌ی کورش صفوی، تهران، انتشارات علمی.

یول، جرج (۱۳۸۵)، بررسی زبان، چاپ اول، ترجمه‌ی علی بهرامی، تهران، انتشارات رهنما.

Allan, K. (1989). *Linguistic Meaning*, London & New York, Routledge and Keganpaul.

Akmajian. A. (1997). *Linguistics: An Introduction to Language and Communication*. Cambridge: MIT Press.

Cruse, D. A. (1997). *Lexical semantics*, Cambridge: Cambridge University Press.

Lyons, J. (1993). *Semantics*, vol. 1, Cambridge: Cambridge University Press.

Saeed, J. (2013). *Semantics*. Paperback, Wiley-Blackwell (E-book also available).